

## کتاب

### تعصب، ماهیت و پیامد های آن

#### قسمت نهم

#### فصل سوم

#### به ادامه تعصب مذهبی

همانطوریکه در مقدمه تذکار رفت تقریباً در تمام ادیان به نحوی از انحا تعصب و تبعیض مردود شناخته شده، اما اگر نگاهی ژرف به بسیاری از جنگهای گذشته و امروز جهان ما بیاندازیم میبینیم که در بیشترین این جنگ ها چه بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم پای دین و مذهب در میان بوده و برپایه مذهب و دین از میان جوامع برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی مطروحه سربازگیری شده است. یعنی اینکه جنگ افروزان، جهان گشایان، طراحان و گردانندگان استعمار و استثمار با استفاده از عنصر دین و بوسیله متولیان دینی و نشرات در محور مذهب ذهنیت عامه را برای سربازگیری آماده ساخته و از همین طریق اهداف خویش را به منصفه اجرا میگذارند. که در بسیاری از معضلات ملی و منطقوی و جهانی که عنصر دین در آن دخیل ساخته شده است به فاجعه های انسانی انجامیده که درادوار بسیار طولانی راه حلی برای آن نیافته اند.

وادی رودات Wade C. Rowatt استاد روانشناسی در پوهنتون بیلور تگزاس در باره تعصب مذهبی میگوید: بنابر واکنش های ذهن، افراد مذهبی برای طرفداری گروه های خودی و رد گروه های غیر خودی بسیار شدید بوده و هرآن آماده پذیرش احکام و اوامر تعصب آمیزو خشونت بار میباشند. برای مثال، ذهن انسان خیلی سریع افراد را در گروه های اجتماعی دسته بندی می کند که برخی از آنها ترس های ناموجه یا واکنش های انزجاری را برمی انگیزد. هم پذیرش ادیان بنحوی کور کورانه و هم تعصب می توانند امنیت و آسایش را در دنیای طبیعی و اجتماعی پر از تهدیدها و خطرات خیالی یا واقعی افزایش دهند.

مطالعات دانشمندان نشان داده که افراد مذهبی سطوح بالاتری از تعصب را در جامعه و ماحول شان نشان می دهند. با این حال، بررسی های جامعه شناسانه نشان می دهد که برای درک رابطه بین دین و تعصب، مهم است که هدف تعصب و همچنین ماهیت چند وجهی دین همیشه در نظر گرفته شود. زیرا همانطوریکه

در بالا تذکر دادیم تقریباً همه مبلغین و متولیان دینی دین شان را عاری از تعصب جلوه میدهند، درحالیکه بسیاری از مسایل بغرنج جهان امروز بر پایه ادیان در تقابل قرار دارند و جهان را تا پرتگاه نیستی سوق داده و هنوز هم این مخاطرات بشدت در جوامع انسانی وجود دارد. تقریباً در سراسر کشور های جهان گروه های بنیاد گرایان اسلامی و غیر اسلامی را ایجاد کرده اند و بودجه های میلیاردری برای این گروه ها تخصیص داده میشود که به فعالیت های ضد انسانی تروریستی و کشتار گروهی مردم مشغول اند. همچنان اعمال این گروه ها را به شدت بزرگ نمایی کرده و از طریق نشرات تصویری، صوتی و چاپی در معرض دید جهانیان قرار میدهند، تادر سمت دیگر در میان مردم عوام ارزیابی های منفی، بی اعتمادی، نفرت، انزجار و اسلام ستیزی، مسلمان ستیزی، یهود ستیزی، کافر ستیزی، خارجی ستیزی و ده ها زمینه های نفرت پراگنی اجتماعی را ترغیب و تشویق کنند. به این ترتیب تعصب دو جانبه را در جوامع سازماندهی و عملی میگردانند. در بسیاری از جوامع انسانی با آنکه تظاهر میگردد که درب های همیشه باز مساجد، کلیسا ها، کنشت ها و سایر عبادتگاه ها نمایانگر عدم تعصب مذهبی جلوه نمایی دارد. اما اشکال پنهان تعصب مذهبی در بیشترین کشور ها بخصوص کشور های غربی و اسلامی همچنان بشدت وجود داشته و وبسیاری از گروه های تروریستی رادیکال اسلامی، گروه های فاشیستی و خارجی ستیز از همین جاها تغذیه میشوند. در میان اهل خبره دارندگان عقاید مختلف و باور مندان دینی ادیان متنوع جهان پیوسته تأکید به عمل می آید، تا بمنظور جلوگیری از تصادمات خونین میان پیروان این ادیان و ایجاد زمینه های تساهل و مدارا مناظرات علمی بر پایه دریافت وجوه مشترک و دریافت راه های همکاری علمی و توسعه و شگوفایی ارشادات دینی با درنظرداشت سطح درک امروزی پیروان مذاهب بطور متداوم برگزار گردد. همچنان برای رفع سوء تفاهمات و اختلافات تشکیلات بین المللی مانند شورای کشور های اسلامی البته با مقاصد بشر دوستانه دایماً فعال باشد. اما بنا بر موجودیت عنصر تعصب مذهبی در میان پیروان ادیان مختلف، نه تنها این مناظرات حتی به حد اقل تدویر نمی یابد بلکه بر عکس متولیان و پیشوایان مذاهب مختلف از هر وسیله استفاده میکنند تا عنصر تعصب مذهبی را بیشتر در میان پیروان شان بر علیه غیر خودی ها نهادینه سازند. همچنان آنها تلاش دارند تا دین و آئین خود را کامل، برحق و پیوست به امر خداوند معرفی کنند و ادیان و مذاهب دیگر را فاسد، باطل و خلاف امر خداوند به معرفی میگیرند. بناً دارندگان مذاهب مختلف که هرکدام دین خود را مقدس، برحق امر خداوند دانسته و باور طرف مقابل خویش و یا سایرین را باطل میدانند، با اندک ترین حرف و بیان بر علیه دین خود را توهین بزرگ بر مقدسات تلقی کرده و هر آن تا سرحد فدا کردن جاننش حاضر بوده و این را جنگ مقدس دانسته که خونین ترین جنگها در نتیجه همین تعصبات مذهبی در طول تاریخ مشتعل گشته و هنوز هم خونین ترین تصادمات و جنگ ها تا سرحد نسل کشی ها بر پایه تعصبات مذهبی در اقاصا کنار جهان جریان دارد.

این است منابع تعصب مذهبی که جهانگشایان و سرمایه اندوزان برای حصول منافع خود در اکناف جهان انسانها خاصتاً اقشار جوان جوامع بشری را به ذرایع و وسایل گوناگون منجمله با استفاده از مخاصمات و کینه های تاریخی باورمندان عقاید مختلف نسل به نسل بصوب تعصب مذهبی میکشانند. و اما تعصب مذهبی در جوامع بشری پا از این فرا ترکذاشته نه تنها مردم را بر علیه یکدیگر در ستیز قرار داده و دشمن خونی میسازد بلکه آنچنان فضای دگم و رکود اندیشه را در جامعه مستولی میسازند که مردم در تحت تأثیر تعصب کور کورانه دشمن همه انواع نوآوری و اندیشه های انکشاف جامعه بشری میگرددند.

متعصبین در تمام گروه های اجتماعی، سیاسی، مذهبی یکسان عمل میکنند. همه متعصبین از همه گروه ها یک آیین مشترک دارند و آن عبارت است از تعصب. تعصب و افکار متعصبانه بیشتر از گروه بندی های مذهبی، سیاسی، اجتماعی، نژادی و جنسیتی سرچشمه میگردد. به اطفال ونو جوانان در همان سنین آغازین زندگی شان تلقین میگردد که آنها شاملین این گروهبندی اجتماعی، نژادی، مذهبی و یا جنسیتی اند و بهترین اند. که بصورت اتوماتیک گروهبندی های دیگر غیر خودی گردیده و خوب نمی باشند و دشمن تلقی میگرددند، که این مرحله نخستین مرحله غیر آگاهانه القا تعصب شمرده میشود، که بادر نظر داشت توضیحات بالا تعصب مذهبی خطرناکترین نوع تعصب شمرده میشود. بقول گوردون آلپورت Gordon Willard Allport ۱۸۹۸ - ۱۹۶۷ روانشناس امریکایی، کودکان تعصب را از تعصب، خشک اندیشی و بد بینی های والدین و اعضای خانواده فرا میگیرند. به قول این روانشناس: تحقیقات نشان داده است که تمام دوران کودکی طول می کشد تا تعصب و نظرات منفی و مضر تقویت شود. این بدان معناست که برای کودکانی که در محیط های تعصب آمیز بزرگ می شوند، امیدی وجود دارد، اما تنها در صورتی که قبل از این که این تعصبات به وجود بیایند، دیدگاه های جایگزین برایشان ارائه شود.

متعصبان، ایدئولوگ ها و مطلق گرایان مذهبی که بمنظور برتریت خود و دین مورد نظر شان جوامع انسانی را مشبوع از تعصب ساخته و باعث انقطابات خونین اجتماعی گردیده اند بزرگترین آفت بشریت هستند. چه رهبران باشند و چه پیروان، متعصبان افرادی هستند که در معجون هولناک زهری، از اعتماد به نفس کاذب خود مایه گرفت چنین استنباط دارند که همه چیز را می دانند و دسترسی منحصر به فردی به حقایق مطلق دارند، حقایقی که آنقدر کامل هستند که باید آنها را به همه تحمیل کنند و خدا ایشان را مامور این کار ساخته است. البته این متعصبین حقایق مطلق خود را بر علاوه بر حوزه مذهب و دین همچنان در سایر حوزه های اجتماعی مانند نژاد، ملیت، موقعیت جغرافیایی، موقعیت اجتماعی و زبان نیز با همان شدت مورد اجرا دارند.

دربسیاری از اسناد معتبر سازمان ملل متحد منجمله منشورسازمان ملل متحد در امور حقوق بشر تا کیدات فراوان برای جلوگیری از تبعیض مذهبی صورت گرفته است و اعضا را ملزم دانسته اند تا افراد را در اجرای امور دینی اش آزاد بگذارند و از آنها حفاظت و حمایت کنند تا همه افراد جوامع بشری با آزادی کامل بتوانند امور دینی و مذهبی خویش را بدون هیچ آزار و اذیتی اجرا کنند. اما متأسفانه در افغانستان تعصب مذهبی بیداد میکند و از سال ۱۹۹۲ حاکمیت بنیاد گرایان اسلامی زیر نام مجاهدین و متعاقب آن طالبان دارندگان تمام مذاهب دیگر را قتل عام شدند و یا مجبور به فرار گشتند و مسلمانان شیعه نیز در اجرای مناسک شان هیچنوع آزادی و مصئونیتی ندارند. همانطوریکه در بالا تذکر دادم تعصب مذهبی در افغانستان در جریان سالهای تجاوز اتحاد شوروی، فعالیت های مسلحانه ضد دولتی زیر نام جهاد و حاکمیت مجاهدین خاصتاً پیروزی طالبان یکی از بحث برانگیز ترین مسایل کشور ما بوده که تحت تأثیر آن قتل های گروهی، نسل کشی ها و اقدامات فجیع تروریستی انجام یافته که این صفحات خونین تاریخ کشور ما که هیچ وجدان بیداری مسبب این حوادث خونین را همراه با حمایت کنندگان بین المللی شان هرگز نمی بخشند و در صورت تأمین صلح سراسری و ثبات در کشور و حاکمیت قانون همه این فجایع انسانی بررسی و مسبب آن در محاکم بیطرف داخل کشور مجازات گردند.

ادامه دارد